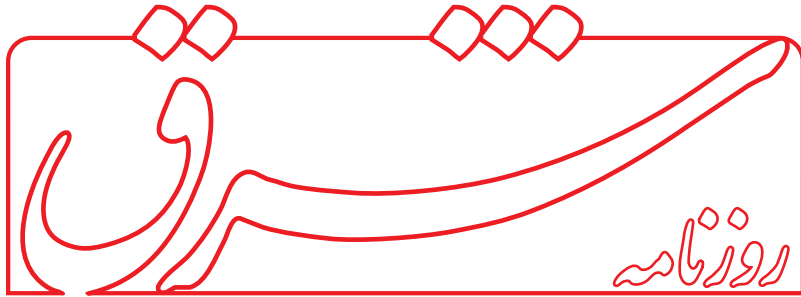




روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، ورزشی صبح ایران
 صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان
 نشانی: میدان آرژانتین، خیابان زاگرس، پلاک ۹، ساختمان شرق، طبقه همکف
 تلفن: ۸۸۶۴۳۹۱-۲، ۸۸۸۸۰۷۱۹، فکس: ۸۸۶۵۸۵۵
 توزیع: شرکت پیام‌رسان پیروز، تلفن: ۶۶۱۸۲۱۳۰-۵
 چاپ: نشر روزتاب، تلفن: ۴۴۴۵۰۷۶
 www.sharghnewsaper.ir
 تهران: اذان ظهر ۱۱:۱۳، اذان مغرب ۲۰:۲۷، اذان صبح فردا ۴:۳۸، طلوع آفتاب ۶:۱۴



چهارشنبه ۱۲ مرداد ۱۳۹۰ - ۲۰ رمضان ۱۴۲۲ - ۲۰ اگوست ۲۰۱۱ - سال هشتم - شماره پیاپی ۱۳۱ - شماره ۲۸۶ دوره جدید - ۲۰ صفحه

دعای روز دوم ماه مبارک رمضان

اللَّهُمَّ قَرِّبْنِي فِيهِ إِلَى مَرْضَاتِكَ وَجَنِّبْنِي فِيهِ مِنْ سَخَطِكَ وَتَعْمَاتِكَ وَوَقِّفْنِي فِيهِ لِقَائِهِ إِنَّهُ آيَاتُكَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

خدايا نزدیک کن در این ماه به سوی موجبات خوشنودیت و دوم ساز در آن از خشم و عذابت و موفق‌دار در این روز به خواندن آیات قرآنیست به رحمت خود ای مهربانترین مهربانان

کاروانسرا

کولر بی وجود!



محمدعلی مومنی

در انتظار تاکسی کولردار...
 - آقا نگهدار
 - بپر بالا
 - قربون تاکسی تو و تمیز و مامات برم!
 صدای ترمز تاکسی پیچید توی حرفم.
 - سرو پایین
 - چی شد مگه؟
 - مالم
 - نه منظور مامان شما نبود، منظور تاکسی بود که مرتبه نه که هوا گرمه.
 - منظور؟
 - منظور بدی نداشتم، همین طوری.
 - اینجا صحبت مامانی و ناموسی و ... نداریم، گفته باشم.
 - راننده توی باغ نبود، شیشه را بالا برد، شاید متوجه بشود و کولر را روشن کند.
 - یکش پایین
 - ای بابا بدت نیست چی گفتی؟
 - شیشه رو یکش پایین.
 - آخه شما اصلا توی باغ نیستی!
 - باغ؟
 - صدای ترمز تاکسی پیچید توی حرفم.
 - سرو پایین
 - چی شد مگه؟
 - باغ
 - منظورم اون باغ نبود، بی باغ دیگه است.
 - این باغ، اون باغ نداره، کسی که تو اون باغ رفت، تو این باغم میاد.
 - منظور بدی نداشتم، همین طوری.
 - اینجا صحبت باغ و هلو و خوردنی و این جور چیزها نداریم، گفته باشم.
 - عجب هوایی شده
 - منظور؟
 - منظور بدی ندارم، یاد سعیدی افتادم، کجاست که ببینم دیگه ابر و پساد و مه و خورشید و فلکی در کار نیست... به جاش دوده، ریزگرده، اشعه ماورای بنفشه، از همه بدتر این گرمه.
 - صدای ترمز تاکسی پیچید توی حرفم.
 - سرو پایین
 - چی شد مگه؟
 - حرفای بودار می‌زنی!
 - هنوز که زنده.
 - می‌زنی، سیاهنمایی می‌کنی، از گرد و غبار و آلودگی و اشعه و گرما شروع کردی، معلوم نیست به کجا می‌رسی.
 - منظور بدی ندارم.
 - اینجا صحبت از لوضاع جوی و آلودگی و این جور چیزها نداریم، گفته باشم.
 - اگر کولر ماشینت رو روشن کنی...
 - دیدی، دیدی گفتم، سرو پایین.
 - راننده کج شد و در ماشین را باز کرد و گفت: برو پایین، حرف بودار می‌زنی.
 - کدوم حرف، کدوم بو؟
 - امروز جنگ بر سر انرژی، بعد تو میگی کولر؟
 - من به خاطر خودت میگویم، نگرانم بوی حرف از دهنم به بدن برزنه.
 - اینجا صحبت از انرژی و سهمیه‌بندی و بو و رایحه خوش و ناخوش و این جور چیزها نداریم، گفته باشم.
 - این ماجرا در چند فصل دیگر می‌تواند ادامه پیدا کند نه به دلیل الزام به ۳۰۰ کلمه‌ای بودن متن، که از روی مصلحت‌گرایی و برای ایجاد آرامش در جهان و دستیابی به صلح و برای احترام به حق آیندگان برای دستیابی به انرژی، می‌شود بی‌خیال کولر در تاکسی‌ها، اتوبوس‌ها و مترو شد. این کولرهای بی‌وجود!

برکناری ناگهانی اعوانی از ریاست موسسه پژوهش و فلسفه



شرق، گروه اندیشه: یکشنبه نهم مرداد فکسی به موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ارسال شد که حکایت از انتصاب رییس جدیدی برای این موسسه داشت، بدون آنکه کمترین اشارهای، تقدیری، نامی از رییس سابق به میان آید یا حتی خود او کوچک‌ترین خبری از برکناری‌اش داشته باشد. عبدالحسین خسرو پناه به عنوان جانشین غلام رضا اعوانی معرفی شد. این جایگزینی بنا به پیشنهاد معاونت پژوهشی و فناوری طی حکمی از طرف وزارت علوم، تحقیقات و فناوری صورت پذیرفت و پس از ارسال به موسسه، پریروز، دهم مرداد، روی سایت موسسه قرار گرفت. البته آنها که در ماه‌های اخیر گذارشان به موسسه افتاده بوی تغییرات را از همان در ورودی احساس کرده‌اند؛ سخت‌گیری‌های عجیب و غریب برای حضور در نشست‌های هفتگی که در تاریخ انجمن حکمت بی‌سابقه بود. اینها البته پیش‌درآمد تغییرات گسترده‌تر در موسسه حکمت بود. احتمالاً پس از این شاهد تغییراتی بیش از این در هیات علمی و کادر آموزشی این، موسسه خواهیم بود. انجمن



ارزش، مساوی است با شناخت

تالش



محمد ابراهیم جعفری

در روزها، هفته‌ها، ماه‌ها و سال‌های دهه‌های ۲۰، ۳۰، ۴۰ و حتی ۵۰ که بزرگان هنر امروز (با تاکید بر هنرهای تجسمی) اغلب دانشجویانی ساده، عاشق و کوشا بودند هرگز فکر نمی‌کردیم که کشور ایران روزگاری تعداد دانشکده‌های هنرهای تجسمی‌اش از تعداد دانشجویان هنر آن سال‌ها بیشتر باشد. یا در تهران و شهرهای بزرگ و کوچک کلاس‌های هنری‌ای باشد که تعداد شاگردانش در هر سال چند برابر پذیرفته‌شدگان یک دانشکده هنرهای دولتی یا ملی باشد. بگذریم از تعداد قبلی شبانه و روزانه که عنوان شبانه‌هاش که لحنی شاعرانه دارد مرا به یاد شبانه‌های زیبای زنده‌یاد الف، بامدای می‌اندازد.
 در حال نوشتن یادداشت‌هایم برای روزنامه «شرق» بودم که در پیغام‌گیر صدایی آشنا شنیدم. گویی را برداشتم دیدم آشنایی قدیمی است که پس از دیدار از چندین گالری نقاشی و مطالعه چند پایان‌نامه کارشناسی ارشد به قول خودش چند سوال داغ دارد، اما سوال‌هایش کلی‌تر از این حرف‌ها بود و ظاهراً ربطی به هنر نداشت ولی از آنجا که سوال‌هایش «به درد بخور» بود (من پرسیدم را مهم‌تر از پاسخ دادن می‌دانم) به پرسش او گوش سپردم. پرسید: شما با توجه به فضای هنری امروز ایران و جهان به چه فردی صاحب‌منظر می‌گویید، جواب دادم: به آدم با تجربه‌ای که وقتی سوال بی‌غرض و مرضی می‌شنود توان و جرات داشته باشد که جواب بی‌غرض و مرضی به او بدهد. پرسید به غلط یا صحیح بودن سوال کاری ندارید؟ گفتم: من در کار هنر غلط نمی‌شناسم، اما چون یادداشت‌م را درباره چگونه کار کردن نقاشان در دهه‌های ۲۰ تا ۴۰ شروع کردم در جواب سوالات مثالی می‌زنم که درحقیقت تجربه زیست‌شده من است، باز هم می‌گویم من در کار هنر غلط نمی‌شناسم. استادان خوب ما آن روزها کمک می‌کردند، با طراحی کردن، دیدن صحیح



کیوان زرگری

cartoononline.persianblog.ir

کارتون خوب

چهارشنبه خوانی

زنان شیفته



بهاره رهنما

در ادامه قولی که هفته پیش داده بودم کنای از نشر پیکان با همان مضامین «چه کار کنیم که این صد سال اول را بتوانیم یک جوری بگذرانیم» به شما معرفی می‌کنم. من همه این مجموعه کتاب‌های مربوط به روان‌شناسی مدرن و ارتباطات انسانی را تحت همین عنوانی که داخل گیومه در بالا آمد، دسته‌بندی می‌کنم. این کتاب با نام «زنان شیفته در ایران» توسط نشر نامبرده به چاپ رسیده است. زنان شیفته نوعی تریبی ساده زنانی است که در ارتباط با جنس مخالف و انتخاب شریکی برای قلب و روح‌شان مکرراً دچار اشتباه می‌شوند. مهم‌ترین مضمون کتاب با این مثال بیان می‌شود که زنی که سه بار ازدواج می‌کند و هر سه شوهرش با وجود تفاوت‌های کلی در اینکه او را تک می‌زنند مشترک‌اند این ضعف به نوعی به انتخاب و درون آن زن بر می‌گردد چون چیزی که از خود ساطع می‌کند و رفتاری را از جنس مخالف می‌طلبد همین بی‌احترامی است و اگر با یکی از پاک‌ترین و کامل‌ترین مردهای روی زمین ازدواج کند، دست آخر از آن مرد هم یک کتک‌زن می‌سازد. بسیاری از ما زنان (و حتی در مواردی مردان) به دلیل عدم شناخت حرفه‌های روحی خودمان سرآدم‌های مشابه می‌رویم و اشتباهات‌مان را بعد از هر شکست تکرار می‌کنیم. در واقع اگر بدانیم که همه مضرات و اخلاقیات غیرقابل‌تحملی را که همسری که سال‌هاست در لبه جدایی از او در حال قدم زدن هستتیم، آن معشوق آرمانی ذهن‌مان را هم دارد می‌فهمیم که شاید بهتر باشد مدتی تنها باشیم و به جای پر کردن این حفره‌های عاطفی با آدم‌های اشتباهی دنبال پر کردن‌شان از درون خودمان باشیم. اگر ازدواج نکرده‌اید یا در بحران سختی در اثر تکرار اشتباهات‌تان به سر می‌برید، زنان شیفته برایتان یک معجزه است از دست‌نشدن ندهید. دیالوگی از فیلم آپارتمان بیللی وایلدن: «من متخصص این هستم که در زمان‌های اشتباهی و مکان‌های اشتباهی، عاشق آدم‌های اشتباهی شوم»

شبانۀ روز
 کیوان زرگری
 نویسنده: کیوان زرگری
 تصویر: امیدبندکدار
 پرنامه‌های سینماها: آزادی (۸۴۴۰)، پردیس ملت (۲۳۱۶۲)، ارنیکا ایرتایان (۲۲۰۹۴۸۶)، پردیس زندگی (۴۴۰۰۴۸۰)، عصر جدید (۸۸۹۵۱۵۵۰) شکوفه (۳۳۵۱۲۷۰)، سوزیه سینما (۲۲۷۱۹۰۱)، فلسطین (۶۶۴۶۳۲۹۹)، مسرکزی (۶۶۹۲۸۶۸۶)، عیال‌نقا (۷۷۴۱۰۶۳۰) پردیس تئاتر (۶۶۶۵۶۱۲۶)، پای‌سخت (۸۸۳۱۲۶۳۱)، کارون (۶۶۸۸۵۰۴۷)، جی (۶۶۶۶۲۲۷)، پور هنگر ای‌اشراق (۷۷۳۲۷۶۸۳)

با صدای محسن یگانه
 اثری ماندگار از محسن حسین لطیفی
 قلده بخش
 تهیه‌کننده: سیدجمال طباطبایی
 طراح و نویسنده: حامد عنقا
 هم‌اکنون در شبکه نمایش خانگی
 با تلفن ۰۲۱ ۷۷۷۱۱۱۱